

عیوب اراده در حقوق فرانسه*

دکتر سیمون ویت تیکر

ترجمه: دکتر سیامک ره پیک**

«۱۳۸۰/۱۲/۱۸»

مفهوم عیوب اراده و مصادیق آن و نیز تاثیر آن بر قراردادهای از مباحث مهم حقوق قراردادهای بشمار می‌رود. با توجه به اینکه قانون مدنی ایران در بخش قراردادهای و به ویژه اشتباه و اکراه تا حدی متأثر از قانون و حقوق فرانسه بوده است، درک نظریات مربوط به عیوب اراده در حقوق فرانسه می‌تواند مفید و قابل استفاده باشد. در این مقاله، نویسنده ضمن ارائه نظریات حقوقدانان و دادگاههای فرانسه در موضوع فوق تا حدی به نظریات حقوق کامن لا نیز اشاره کرده است.

مطالب مقاله حاضر اگرچه فشرده و مختصر می‌باشد اما حاوی نکات مهم و اساسی در موضوع اشتباه، اکراه و فریب است و قواعد و مبانی این بحث در حقوق فرانسه را روشن می‌نماید.

واژه های کلیدی:

عیوب اراده - اشتباه - اکراه - فریب - حقوق فرانسه - حقوق

کامن لا.

* - این مقاله ترجمه بخشی از کتاب زیر است:

John Bell & Others, The Principles of French law, Oxford, 1998.

** - عضو هیأت علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

در نگاه اول، عیوب اراده‌ای که قانون مدنی شمارش کرده است برای حقوقدان کامن لا، آشنا به نظر می‌رسد.^(۱) (dol) شبیه فریب^(۲) (Violence) شبیه اکراه^(۳) و (erreur sur les qualités substantielles) مشابه با اشتباه بنیادی^(۴) بنظر می‌رسد.

به هر حال، صرف نظر از فقدان قانون در مورد خلاف (اشتباه) مباح،^(۵) در مواردی که خطای بین وجود ندارد توازی فوق‌گمراه‌کننده می‌باشد. به همین دلیل در اینجا نظر اراده‌گرایان حقوق قراردادهای فرانسه بیشتر جلب توجه می‌کند. معنای این سخن آن است که از یک طرف، زمینه‌های بطلان نسبت به حقوق انگلیس گسترده‌تر است و از سوی دیگر، از منظر خاصی که کیفیت اراده طرفین را مورد توجه قرار می‌دهد پیروی شده است، لذا به صورت کاملاً برجسته، قواعد اشتباه در حقوق فرانسه با اشتباه یکطرفه^(۶) ارتباط برقرار می‌کند (برخلاف حقوق انگلیس که بر اشتباه مشترک^(۷) تمرکز پیدا کرده است). از جهت دیگر، حقوق فرانسه نه تنها به کیفیت اراده طرفین قرارداد توجه دارد بلکه به کیفیت رفتار متقابل آنها نیز می‌پردازد که این امر گاهی در شرایط حسن نیت و گاهی در شرایط تقصیر غیر قراردادی ظاهر می‌گردد. در نتیجه، گاهی به نظر می‌رسد که قواعد فراوان حقوقی، واقعیات ناچیزی را تعقیب می‌کنند.

در این مورد، حداقل یک توضیح تاریخی برای چنین مقررات پیچیده‌ای وجود دارد. همانگونه که بیان شد حقوق رم، قواعد عمومی

۱ - تفاوت در همان بخش آشکار می‌گردد (ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی) اما به طور کلی مسأله کیفیت اراده طرفین مورد توجه نیست.

2- Fraud.

3-Duress.

4- Fundamental mistake.

ترجمه عبارت فرانسوی «اشتباه در اوصاف جوهری» است (م).

5-Innocent misrepresentation.

6-Unilateral mistake.

7- Common mistake

قراردادها را شناسایی نکرده بود و در عوض، عناوین خاص قراردادها را پذیرفته بود. عناوین متفاوت قراردادها، رهیافت‌های مختلفی را در ارتباط با رفتار تقلب آمیز^(۱) پیش از قرارداد و اگرچه به کار می‌بردند. به همین دلیل، در قراردادهایی که تحت عنوان «قراردادهای با حسن نیت»^(۲) قرار می‌گرفتند (مانند بیع، شرکت و وکالت)، این نوع رفتار مستقیماً مورد توجه بود و از قضاوت نیز خواسته می‌شد در تصمیم‌گیری نسبت به این مورد شرایط حسن نیت را در نظر بگیرند؛^(۳) درحالی که در «قراردادهای تابع قانون مضیق»^(۴) (به طول قابل ملاحظه‌ای در قراردادهای شکلی)، تنها حمایت‌های معین مبتنی بر رفتار تقلب آمیز یا اگرچه مورد توجه قرار می‌گرفت.^(۵) قانون مدنی فرانسه خود را در دومین رهیافت محدود کرد و حمایت‌های حقوق رم در رفتار تقلب آمیز و اگرچه را از قرارداد شکلی به تمام قراردادها تعمیم داد، اگرچه مجدداً لباس اراده‌گرایی را بر آنها پوشاند و آنها را در خور عیوب اراده: فریب (dol) و اجبار (Violence) کرد.^(۶)

این مسأله به وضوح قابل درک است و نیازی به ذکر این مسأله نیست که «هر قراردادی باید با حسن نیت منعقد شود.»^(۷) علی‌رغم این

1- Dishonest dealing

2- Good faith Contracts.

قراردادی که قاضی با آزادی بیشتری در آن نظر می‌دهد و محدود به قواعد خاص نیست بلکه تنها به حسن نیت و عدالت توجه می‌کند. (م)

3- Gaius. Inst.4.61 and Justinian. IV.6.30.

4- Strict law contracts.

قراردادی که قاضی در آن محدود به قواعد خاص است. (م).

5-Gaius,ibid,4.115-116a,119 and seeJ. A. CThomas.Atext bookof Romna Law(Amsterdam,1976),228.

۶- مواد ۱۱۱۶ و خصوصاً ۱۱۱۳-۱۱۱۵ قانون مدنی.

۷- مقایسه کنید با ماده ۱۱۳۴ بند ۳، قانون مدنی (تعهدات قراردادی باید با حسن نیت اجرا شود). پیش نویس ابتدایی

بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی بیان می‌کند (قراردادها باید با حسن نیت منعقد و اجرا شود). برای تأکید بیشتر ببینید:

امر، حقوقدانان فرانسه، موضوع حسن نیت قبل از قرارداد را مجدداً احیاء کرده‌اند و به طور ضمنی آن را برای توجیه اطلاع رسانی نسبت به سایر موضوعات مرتبط با قرارداد جهت ایجاد تعهدات برای طرفین بکار برده‌اند. یک فرآیند مشابه در تعمیم مضاعف، انطباق بسیار قابل ملاحظه‌ای بین اشتباه و فریب در حقوق فرانسه را توضیح می‌دهد. به همین دلیل، مقررات قانون مدنی در «اشتباه جوهری»^(۱) به وضوح از قواعد بیع در حقوق رم اقتباس می‌شود. در این مسأله «جوهر» به صورت نمادین به جوهر مادی اموال فروخته شده^(۲) مربوط می‌گردد اما در قانون مدنی، در تمام قراردادها جریان دارد.

قانون مدنی، در مورد ضمانت اجرای تمام عیوب اراده، بطلان نسبی^(۳) را پیش بینی می‌کند، به عبارت دیگر، طرفی که اراده‌اش معیوب است می‌تواند ابطال^(۴) قرارداد را از دادگاه بخواهد.^(۵) باید توجه داشت که بطلان نسبی در مقابل بطلان مطلق^(۶) است.

البته این تفکیک اصولاً به این سؤال ارتباط دارد که چه کسی می‌تواند درخواست ابطال کند (در بطلان مطلق هر کسی می‌تواند این کار را انجام دهد) و به آثار بطلان پس از اعلام دادگاه، ربطی ندارد، زیرا از این جهت مشابه هستند و در هر دو، قرارداد از گذشته^(۷) از بین می‌رود. اهمیت شبه جرم، به عنوان اساس هر نوع جبران خسارت ناشی از عیب اراده در هر زبانی که شخص متحمل می‌شود آشکار می‌گردد. از آنجا که عمل مثبت عمدی مانند فریب یا اجبار در این بحث، ضرورتاً ناروا تلقی می‌شود، این مسأله که آیا حتی یک غفلت عمدی^(۸) مانند قصور^(۹) در

P.A Fenet, Recueil Complet des Travaux Préparatoires du Code Civil (Paris, 1828)t.XIII.8.

۱- ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی، ۲- مجموعه ژومینین، ۱۸۰۹، ۲ (سرکه به جای شراب).

3- Relative nullity (nullité relative).

4- Annul; Annulment.

۵- ماده ۱۱۱۷ قانونی مدنی.

6- Absolute nullity (nullité absolue).

7- Retroactive destruction.

8- Deliberate omission.

سخن گفتن نیز اینگونه است مشکل تر می باشد.
 از طرف دیگر، تخلف غیر قراردادی، به تخلف عمدی محدود
 نمی شود، لذا گاهی آنچه یک حقوقدان کامن لا صرفاً قصور مباح^(۱۰) در
 سخن گفتن می داند، بر پایه مطالب فوق، موجب مسؤولیت جبران
 خسارت می گردد.

۱- فریب

بند ۱ ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی می گوید: فریب می تواند توافق
 را باطل کند مشروط بر آنکه تزویر یک طرف آنچنان باشد که بدون آن،
 طرف دیگر قرارداد را منعقد نمی کرد.

در بحث حاضر فریب عبارتست از هر رفتار تقلب آمیز (دسیسه)^(۱۱)
 در یک طرف قرارداد که سبب ایجاد یک اشتباه قطعی^(۱۲) در طرف دیگر
 می گردد؛ یعنی بدون آن، شخص، قرارداد را ایجاد نمی کرد.^(۱۳)

بنابراین، آن، شامل سخنان نادرست متقلبانه می باشد و به صورت
 وسیع تر، هر مغالطه ای را که به قصد فریب انجام می شود تا آنجا که بر طرف
 دیگر تأثیر گذاشته باشد در بر می گیرد. وقتی که فریب باعث زیان طرف
 دیگر می گردد، صرف نظر از بطلان قرارداد مسؤولیت بر اساس شبه جرم،
 مطابق ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی بوجود می آید.^(۱۴)

به علاوه، بر خلاف حقوق انگلیس، دادگاههای فرانسه از سال
 ۱۹۵۰ پذیرفته اند که تخلف عامدانه و تقصیری نسبت به اعلام موضوعی
 که دانستن آن برای طرف مقابل منفعت دارد یا اطلاع از آن مشکلاتی را
 برای او در بردارد، سکوت متقلبانه^(۱۵) تلقی می شود و می تواند سبب بطلان

9- Failure.

10-Innocent failure.

11- Manœuvres.

12- Determining mistake.

13- Carbonnier. Obligations.86; Larroumet.Contrat,319-21;Formation, 524-5.

14-Civ.(1) 4 Feb.1975.D 1975.405.

15- Dol par réticence (fraudulent non-disclosure).

و (یا) مطالبه خسارت گردد.^(۱) اخیراً توجه دادگاهها به این مسأله جلب شده است که آیا یک طرف برای آگاه کردن طرف دیگر از موضوعات ویژه تکلیف دارد؟ معمولاً به این تکلیف، «تعهد اطلاع رسانی»^(۲) اطلاق می‌شود.^(۳) وقتی که این وظایف به سکوت متقلبانه متصل می‌گردد، برخورد آنها بسیار فراتر از این می‌رود.

همانگونه که بیان شده است بنظر می‌رسد فریب به عنوان یکی از زمینه‌های بطلان، بیش از موضوع خاص «اشتباه جوهری» قابل اجرانباشد، علاوه بر اینکه نیازمند اثبات تقلب است، اما در شرایط خاصی مانند اشتباه در قیمت، که اشتباه قابل اعمال نیست، فریب اجرا می‌شود.^(۴) علاوه بر این، در مواردی که یک طرف قادر به اثبات رفتار تقلب‌آمیز طرف دیگر است، اثر قطعی آن با سهولت بیشتری نسبت به استناد صرف به اشتباه، از سوی دادگاه احراز می‌گردد.^(۵)

* وظیفه اطلاع رسانی

قانونگذار و دادگاههای فرانسه، وظیفه تهبه اطلاعات برای یک

1- Larroumet, Contrat, 317-18; Flour and Aubert, Acte Juridique, 152-3 Carbonnier, Obligations, 86 and 101. See e.g. Civ. (3) 15 Jan. 1971 somm. 148 and Civ. (1) 10 Jun. 1987, D 1987, D 1987 Somm. 445 note Aynès;

(در مواردی که گیرنده به سهولت و بهتر بتواند آگاه بشود تکلیفی وجود ندارد.)

2-Obligations d'information.

3- Malaurie and Aynès, Obligations. 241:

اصطلاحات متنوعی در کنار اصطلاح تعهد اطلاع رسانی بکار می‌رود؛ تعهد به خبر دادن (obligations de renseignements) که در مقابل مشاوره، به تهیه اطلاعات اختصاص دارد؛ تعهد به هشدار دادن (obligations d'avertir) که در مورد اخطار نسبت به خطرات احتمالی به کار می‌رود؛ تعهد به مشاوره (obligations de conseil). در هر حال تمایز قطعی بین آنها وجود ندارد و ما از اصطلاح عمومی‌تر یعنی تعهد اطلاع رسانی استفاده کردیم.

4-Larroumet, Contrat, 321-2; Ghestin, Formation. 525-6.

5-Larroumet, ibid., 321; Flour and Aubert, Acte Juridique, 150.

طرف قرارداد نسبت به طرف را دیگر ایجاد کرده‌اند. این امر گاهی کاربرد بسیار خاص و در برخی مواقع کاربرد وسیع‌تری دارد.^(۱) به طور نمونه، این وظایف به صاحبان حرفه^(۲) (این اصطلاح تمام کسانی را که در تجارت یا یک حرفه هستند، در بر می‌گیرد) در مقابل کسانی که در آن رشته تجاری نیستند یا صرفاً مصرف‌کننده هستند تحمیل می‌شود، این وظایف همچنین برای غیر صاحبان حرفه نیز ایجاد می‌گردد.^(۳) این امر در اولین مقرره قانون جدید مصرف بسیار قابل توجه است^(۴) که البته چیزی بیش از تأیید رویه قضایی^(۵) نیست؛^(۶)

«هر فروشنده تجاری اموال یا ارائه‌کننده خدمات، قبل از انعقاد قرارداد، باید مصرف‌کننده را در موقعیتی قرار دهد که وی از ویژگیهای اساسی مال یا خدمات اطلاع پیدا کند.»
 نقض وظیفه اطلاع‌رسانی می‌تواند دو اثر داشته باشد. اولاً، وقتی که این عمل به صورت عمدی باشد (یعنی صاحب تکلیف^(۷))، نسبت به

1- And see generally J.Ghestin, 'The pre-contractual obligation to disclose. I, French Report' in D.Tallon and D.Harris (eds) *Contract Law Today* (Oxford, 1989)151 and Ghestin, *Formation*, 576 ff.

برای ملاحظه یک دیدگاه رقیق‌تر در این نوع توسعه، ببینید:

P. Le Tourneau, "L'allégement de L'obligation de renseignements ou de conseil", *D* 1987 Chron.101.

2-Professionnels.

3- Malaurie and Aynès. *Les Contrats Speciaux*, 9 th ed. (Paris, 1995) 209 citing as example, Civ.(1) 27 Jul.1993, *D* 1994. Somm. 237 note Tournafond:

(اگرچه در مورد دوم، به عنوان سکوت متقابلانه مورد تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد)

۴- ماده ۱-111(L) قانون مصرف.

5- Jurisprudence.

۶- به طور مثال ببینید:

The report of M.A.Brune, *Journal officiel, Ass.Nat.* No 1992(1990-1991), 36.

7- Duty - bearer

موضوعی که به طرف مقابل اطلاع نداده است آگاهی دارد)، ممکن است نقض، به عنوان فریب تلقی شود به طوری که موجب بطلان گردد؛ اما اگر نقض، عمدی نباشد، مستقیماً بر اعتبار قرارداد تأثیر ندارد، اگرچه ممکن است به دلیل اشتباه اساسی طرف مقابل سبب بطلان شود.^(۱) ثانیاً ممکن است نقض، مسؤولیت غیر قراردادی ایجاد کند، خواه صاحب تکلیف، تقلب داشته باشد خواه تقصیر: نقض تکلیف فی نفسه تخلف را بوجود می‌آورد^(۲) ولی در عین حال، موضوع آنچه که طرف، ملزم به بیان آن بوده است به عنوان یک عامل عقلایی مطرح می‌شود.^(۳) علاوه بر این وقتی یک طرف قرارداد که مکلف به مطلع کردن طرف دیگر است برای انجام تکلیف خود تلاش می‌کند اما مرتکب خطا می‌گردد همچنان نقض تکلیفی را ایجاد کرده است که مسؤولیت جبران خسارت را در پی دارد. این امر در واقع نمونه‌ای از ضمانت اجرا در حقوق فرانسه است که حقوقدان کامن لا آن را، تخلف پیش قراردادی مباح^(۴) تلقی می‌کند.

۲- اشتباه

قانون مدنی تنها در مواردی که اشتباه مربوط به جوهر قرارداد یا هویت معامل باشد آن را سبب معیوب شدن اراده طرف می‌داند.^(۵) اشتباه

1- Terré et al, Obligations, 200.

۲- گاهی دادگاهها ترجیح داده‌اند این تعهدات را قراردادی بدانند، ببینید:

Malaurie and Aynès, Obligations 367-8.

3-Larroumet, Contrat, 335.

4- Innocent pre- contractual misrepresentation.

۵- ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی. حقوقدانان، اشتباه مانع (erreur - obstacle) را جدا کرده‌اند؛ مقصود اشتباهی است که مانع از ایجاد توافق است (به طور مثال، الف مالی را از ب به عنوان هبه دریافت می‌کند در حالی که ب فکر می‌کند یک قرض است یا فروشنده اعتقاد دارد مال معین X فروخته می‌شود و خریدار گمان می‌کند مال معین Y). علی رغم ممانعت از توافق، در مورد چنین اشتباهی، دادگاهها بیش از بطلان مطلق منطقی به بطلان نسبی اعتقاد دارند، اگرچه اشتباه متناسب به هر دو طرف باشد:

Flour and Aubert, Acte Juridique, 136.

در هویت تنها در جایی قابل اجراست که هویت طرف، علت اصلی^(۱) توافق باشد و چون این امر موضوع قصد طرفین قرارداد (و لذا موضوع بررسی دادگاهها پایین تر) می باشد، به طور برجسته در عناوین خاصی از قراردادها، مانند هبه یا قراردادهای استخدامی یافت می شود، در حالی که در سایر قراردادها مانند بیع که هویت طرف قرارداد معمولاً اهمیتی ندارد، این امر استثنائی است.^(۲) در این بحث، صفات منسوب به شخص که می توانند عنصری از هویت او تلقی گردد عبارتند از: ملیت، سن، وضع تأهل یا حتی حیثیت یا عدالت.^(۳)

مدت مدیدی است که دادگاهها اشتباه در وصف جوهری^(۴) موضوع قرارداد را در هر عنصری که در قصد طرفین معین شده باشد پذیرفته اند،^(۵) اشتباه ممکن است مربوط به قانون^(۶) یا چیزی که طرف اشتباه کننده آن را دریافت یا منتقل کرده است باشد.^(۷)

در دعوی مشهور پوسین^(۸) مالکان یک تابلوی نقاشی تصور می کنند که این نقاشی اثر پوسین^(۹) است اما به آنها گفته شد که آن تنها یک کار سطح پایین است و به همین دلیل آنها تابلو را در یک حراجی به قیمت ناچیز فروختند. بعدها، اصالت این تابلو به عنوان پوسین مطرح شد و موزه لور^(۱۰) که حق تقدم (شفعه)^(۱۱) خود را نسبت به خریدار تابلو اعلام کرده بود، آن را به نمایش گذارد. پس از گذشت حدود ۱۵ سال از طرح دعوا،

1-Principle Cause.

2- Terré et al., obligations,170-1

3-Ibid.

4- Substantial quality.

5- Carbonnier, obligations,98

(تاریخ این توسعه را حدود ۱۸۷۰ می داند.)

6-Flour and Aubert, Acte Juridique, 142-3.

۷- در کارهای فرانسوی، دریافت یا تحویل در اجرای تعهد (prestation) در شرایط اشتباه قرار می گیرند:

Flour and Aubert ibid.,142.

8-Poussin.

۹- نیکلاس پوسین، نقاش معروف فرانسوی در قرن ۱۷ میلادی. (م)

10- Louvre.

11- Pre - emption.

مالکان اصلی، فروش تابلو در حراجی را ابطال کردند. البته نه به آن دلیل که آنها اشتباهاً اثر پوسین را به عنوان یک کار سطح پائین فروخته بودند بلکه به این دلیل که آنها اشتباهاً فکر می‌کردند این تابلو به طور خاص اثر پوسین نیست (در حالی که ممکن بود باشد).^(۱)

در هر حال دادگاههای فرانسه ابزارهایی را در اختیار دارند که به وسیله آنها، زمینه‌های گسترده بالقوه برای بطلان در چهارچوب منافع امنیت معاملات و بیطرفی نسبت به طرف دیگر قرارداد جای می‌گیرد.^(۲) اولاً، این موضوع که آیا اشتباه طرف، اساسی یا قطعی است اصولاً در صلاحیت قضات دادگاههای پایین‌تر می‌باشد و این امر میدان قابل توجهی را در اختیار آنها قرار می‌دهد تا درک آنها از وضع مناسب برای بطلان، مؤثر واقع شود،^(۳) این امر به خصوص با توجه به اثر زیان آور اشتباه بر طرف زیان‌دیده، متغیر می‌باشد.^(۴) از طرف دیگر، این مسئله همواره اثر قابل تحدیدی ندارد، بنابراین به طور مثال، در حالی که دیوان نقض، صرف اشتباهات در مورد قیمت اموال خریداری شده را صریحاً به عنوان منای بطلان نمی‌پذیرد، اما به دادگاه پائین‌تر اجازه داده است تا درباره برخی از اوصاف مال که اراده خریدار را متعین می‌سازد جستجو کند البته ممکن است این وصف در اختلاف اساسی قیمت منعکس شده باشد.^(۵)

ثانیاً، اگرچه لازم نیست طرف دیگر قرارداد در اشتباه یک طرف سهم باشد، اما لازم است هر دو طرف نسبت به شرایط واقعی که موجود وصف اساسی اشتباه طرفی است که درخواست ابطال می‌کند آگاه

1-Civ. (1) 13 Dec. 1983, JCP 1984.II.20186, Versailles 7 Jan. 1987, GP 1987.34, Source - Book.331

ff.

2-Flour and Abert, Acte Juridigue,135.

3- P.Malinvaud, "De l'erreur sur la substance" D 1972 Chron.215 at 216.

4- Flour and Aubert. Acte Juridique.147.

5- Civ.(3) 29 Nov. 1968,GP 1969.1.63.Source - Book,329.

باشند.^(۱) در یک دعوای معروف، خریداران یک زمین به دلیل اشتباه، حق ابطال بیع را بدست آوردند. اگرچه آنها از اندازه فیزیکی زمین اطلاع داشتند اما نسبت به چند هکتار بودن آن اشتباه می‌کردند و همین اشتباه برای آنها اساسی بود زیرا آنها قصد داشتند تمام زمین را در قطعاتی بفروشند و فروشنده نیز از این هدف اطلاع داشت.^(۲)

ثالثاً، در جایی که یک طرف قرارداد باید آگاهی بیشتری نسبت به موضوع داشته باشد نمی‌تواند برای ابطال قرارداد به اشتباه خود استناد کند؛ یعنی، اشتباه او نباید غیر موجه^(۳) باشد، به طور مثال در یک دعوا،^(۴) فروشنده به یک تاجر، مخمل می‌فروشد و خریدار قصد داشت آن را در تهیه لباس زنانه استفاده کند. خریدار به دلیل آنکه پارچه دارای بافت تزئینی بود و برای مقصود وی مناسب نبود مدعی ابطال بیع شد، اما این ادعا رد شد، زیرا کالا به عنوان بافت تزئینی فروخته شده بود و خریداری که تاجر و تولید کننده لباس و آگاه از استفاده متعارف آن بوده، آن را بنا پذیرش خطر برای تهیه لباس استفاده کرده بود.

نکته آخر اینکه، وقتی دلیل ارائه شده از سوی یک طرف قرارداد برای اثبات اشتباه مبطل^(۵)، فی نفسه امکان طرح دعوای جبران خسارت - برای هر نوع ضرری که وی تحمل کرده است - علیه طرف دیگر را نداشته باشد، ممکن است چنین ادعایی در شرایط خاصی قابل طرح باشد.^(۶)

البته مبنای حقوقی چنین مسئولیتی، تقصیر غیر قراردادی است که به سادگی در بی توجهی طرف دیگر یافت می‌شود اما به طور طبیعی این مسؤلیت در نقض وظیفه اطلاع رسانی او قرار می‌گیرد.^(۷)

بنابراین، چیزی که از نظر حقوقدان کامن لا، اشتباه مباح تلقی

1- Flour and Aubert. Acte Juridique, 148.

2- Civ. 23 Nov. 1931, DP 1932.1.129 note Josseland. GP 1932.96, Source - Book. 324.

3- Inexcusable.

4- Com. 4 Jul. 1973. D 1974.538 note Ghesin.

5- Invalidating mistake

6- Flour and Aubert, Acte Juridique. 152

7- Terré et al. Obligations, 177. see e.g. Civ. (3) 29 Nov 1968, cit. n. 94.

می‌شود در حقوق فرانسه موجب مسؤولیت جبران خسارت بر اساس شبه جرم است و حتی بر اساس اشتباه جوهری قرارداد را باطل می‌کند.

۳- اجبار ناروا^(۱)

قانون مدنی به طور کاملاً ماهرانه بطلان بر اساس اجبار^(۲) را پیش بینی می‌کند. در این موارد پیش از اکراه^(۳) که موقعیت‌های بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد به فشار ناروا توجه می‌شود.^(۴) ضمانت اجرا در مورد اجبار مانند فریب می‌باشد؛ یعنی، بطلان نسبی و جبران خسارت بر اساس تخلف غیر قراردادی، که البته تخلف (تقصیر) برای تحقق اجبار، عنصری ضروری تلقی می‌شود.^(۵)

ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی بیان می‌کند که:

«اجبار وقتی بوجود می‌آید که ناشی از چیزی باشد که بر یک شخص متعارف^(۶) تأثیر کند و در او ترس نسبت به ضرر قابل توجه و بالفعل بر شخص یا مالش را ایجاد نماید. در این مورد، سن، جنسیت، و شرایط شخص مؤثر خواهد بود.»

بنابراین، اولاً تهدید^(۷) باید عملی باشد که در طرف دیگر ترس از ضرر قابل توجه و بالفعل نسبت به شخص یا مال او را ایجاد کند. البته، این تهدید، اجبار جسمانی را در بر می‌گیرد، اما به همان شکل، شامل

1- Undue Pressure.

2- Duress.

3- Violence.

۴- مواد ۱۱۱۱-۱۱۱۶ قانون مدنی. دادگاههای فرانسه در مورد قرارداد هبه نسبت به قراردادهای غیر تبرعی، برخورد آزادتری در تفسیر این عناصر دارند:

Malaurie, Successions, 172.

۵- ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی (بطلان نسبی). در مورد تفاوت بطلان نسبی و مطلق ببینید:

Terré et al., Obligations, 192.

6- Reasonable.

Carbonnier, Obligations, 91

۷- تهدید باید عمدی باشد:

تهدیدات نسبت به آرامش روحی^(۱) شخص (مانند تهدید به افتر
رفاه اقتصادی او نیز می باشد.^(۳))

جالب توجه این است که برخلاف فریب، ممکن است تهدید از
طرف هر شخصی واقع شود، خواه طرف دیگر باشد یا غیر او^(۴) و ممکن
است نسبت به شخص یا همسر^(۵)، اجداد^(۶) یا اولاد^(۷) طرف باشد.^(۸) از
سوی دیگر، صرف الزام اوضاع و احوال، اجبار را ایجاد نخواهد کرد مگر
اینکه از سوی دیگر قرارداد مورد استفاده قرار گرفته باشد.^(۹) همچنین،
تهدید باید نامشروع باشد^(۱۰) و از آنجا که تهدید در اجبار لزوماً اینگونه
است، در رابطه با تهدید به اجرای یک حق (مانند اقامه دعوی قانونی) که
به موقعیت اقتصادی طرف دیگر لطمه می زند این موضوع با دشواری
بیشتری مطرح می شود.

در اینجا مجدداً حقوق فرانسه به نظریه سوء استفاده از حق استناد
می کند به نحوی که اصولاً، تهدید به اجرای یک حق قانونی، اجبار تلقی
نمی شود، استثناء در جایی به وجود می آید که یا وسایل یا هدف اجرای

1- Mental well - being. 2- Defamation.

3- Flour and Aubert, Acte Juridique. 157.

۴- ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی. قانون خانواده. ماده ۱۱۱۶ قانون مدنی (فریب).

5- Spouse.

6- Ascendants.

7- Descendants.

۸- ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی.

9- Bénabent, Obligations, 57; Flour and Aubert, Acte Juridique, 161:

توجه دارند که بسیاری از این موارد به طور خاص توسط قانونگذار مقرر می شود.

۱۰- غالباً این امر تا اندازه ای مورد حمایت ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی است، که مقرر می دارد، صرف احترام به والدین،

منشاء اجبار نیست، نفوذ والدین (متعارف)، مشروع است:

حق، ناشایست باشد،^(۱) به طور مثال، شخص تهدید می‌کند که یک پیگیری قانونی آزار دهنده خواهد داشت^(۲) یا حق خود را برای بدست آوردن بیش از طلب خود مورد استفاده قرار می‌دهد.^(۳) جای تعجب نیست که موضوع مشروعیت تهدید، در موارد زیادی مورد دعوا و دادخواهی قرار می‌گیرد.^(۴)

ثانیاً، حقوقدانان فرانسه توافق دارند که عیب اراده طرف که اجبار، آن را ایجاد می‌کند عبارت از ترس است، ترس از ضرر مورد تهدید، مزاحم آزادی اراده طرف می‌باشد. از آنجا که شرایط ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی، در این موضوع، شفاف نیست، دادگاهها در مورد این مسئله که «آیا ترس ناشی از تهدید برای احراز اجبار کافی است» نظریه شخصی^(۵) را انتخاب کرده‌اند و در مورد تأثیر تهدید نامشروع به اراده شخص خاص با توجه به قدرت شخصیت، موقعیت اجتماعی، سن یا جنسیت او مراجعه می‌کنند.^(۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Crabonnier, Obligations, 102 and see Civ.(3) 17 Jan.1984 Bull. Civ. III no.13.

2- Civ. (1) 30 Jun.1945, JCP 1954.II.8325.

3- e.g. Paris 31 May 1966, D 1967 Somm. 2 RTD civ.1967.147 obs.Chevallier.

4- Carbonnier. Obligations, 101.

5- Subjective view.

6- Bénabent, Obligations,59; Flour and Aubert , Acte Juridique,157-8; Terré et al., Obligations,

191 .see e.g. Req .17Nov. 1925,S 1926.1.121 not Breton; Com.28 May 1991, D1991 Somm. 385

note Aynès.